

## اخلاق پیامبر اعظم (ص)

کرم الله تملری

۱. تواضع رسول خدا (ص)

ابوذر گوید: سلمان فارسی و بلال حبشی را دیدم که با هم به حضور رسول خدا (ص) رسیدند. در این میان، سلمان برای احترام به پیامبر (ص)، به پاهایش افتاد و بر آن بوسه زد. پیامبر (ص) او را از این کار بازداشت، و جلوگیری از این کار، خطاب به سلمان فارسی فرمود: از آن کارهایی که عجم (غیرعربها) در مورد شاهان خود انجام می دهند انجام نده. من بنده ای از بندگان خدا هستم از آنچه می خورند من نیز می خورم، و آنجا که مردم می نشینند، من نیز می نشینم.

۲. رزق به قدر کفاف

پیامبر (ص) با همراهانش در بیابان به شتربانی برخوردار شدند و مقداری شیر از او تقاضا کردند. آن مرد در پاسخ گفت: آنچه در سینه شتران است اختصاص به صبحانه اهل قبیله دارد و آنچه در ظرف دوشیده ایم برای شامگاه آنان است. پیامبر دعا کردند و فرمودند: خدایا مال و فرزندان این مرد را زیاد کن! آنگاه از آنجا گذشتند و در راه به ساریان دیگری برخوردند. از او شیر درخواست کردند. ساریان شتران را دوشید، و همه را در ظرف پیامبر (ص) ریخت و یک گوسفند نیز اضافه بر شیر تقدیم نمود و عرض کرد: فعلاً همین مقدار پیش من بود چنانچه اجازه دهید بیش از این تهیه و تقدیم شما کنم.

پیامبر (ص) دست خویش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمودند: خداوند! به اندازه کفایت رزق به این ساریان عنایت کن. همراهان عرض کردند: یا رسول الله، آن مرد که درخواست شما را رد کرد برایش دعایی کردید که همه ما نیز آن دعا را دوست داریم، ولی برای کسی که حاجت شما را برآورد از خداوند چیزی - رزق کفاف - خواستید که ما دوست نداریم! فرمود: مقدار کمی که کافی باشد در زندگی بهتر از ثروت زیاد است که انسان را به خود مشغول کند. «ما قبل و کفی خیر مما کثر و الهی» بعد چنین دعا کرد: «اللهم ارزق محمداً و آل محمداً الکفاف؛ خدایا به محمد و آل محمد به مقدار کفایت رزق لطف فرما»

### ۳. عباس عموی پیامبر (ص)

عباس عموی پیامبر (ص) از جمله مردی بود که نسبت به خویشان خود مهربان بودند و از این جهت مورد تجلیل پیامبر (ص) قرار می گرفت، پیامبر (ص) اینچنین او را ستوده است: «عباس، فرزند عبدالمطلب از همه قریش سخی تر و نسبت به خویشان مهربانتر است». در یکی از جنگها پیامبر (ص) فرمودند: «هر که با یکی از بنی هاشم برخورد کرد او را نکشد؛ زیرا آنها را بالاجبار روی به جنگ آورده اند». در جنگ بدر، عباس شخصی به نام «ابویسیر» را اسیر کرد. او مانند چوبی بی حرکت ایستاد چون بنای دفاع را نداشت و ابویسیر شانه های او را بست. پیامبر بعد از اتمام جنگ بدر به خاطر عدالت بین عباس و دیگران فرقی قائل نشد. شب اسراء را به ریسمان بستند و عباس نزدیک خیمه پیامبر (ص) قرار داشت. صدای ناله عباس به گوش پیامبر (ص) می رسید به همین جهت تا نیمه های شب خوابشان نمی برد و پهلوی پهلوی می شدند. یک نفر از مسلمانان که نزدیک پیامبر (ص) بود، پرسید: یا رسول الله! چرا نمی خوابید؟ فرمود: ناله عمویم عباس ناراحت می کند و خوابم نمی برد. اندکی بعد صدای عباس خاموش شد. پیامبر پرسید: «چه شده که ناله عمویم عباس را نمی شنوم». آن شخص گفت: «ریسمان او را شل کردم»، فرمود: «ریسمان همه اسراء را شل کن».

### ۴. سؤال فقرا از پیامبر (ص)

تعدادی از فقرا از مدینه نزد پیامبر (ص) آمدند و گفتند: ثروتمندان، کارهای خیر مانند آزاد کردن بندگان، صدقه دادن، حج و... انجام می دهند که ما قادر به انجام این کارها نیستیم (و در نتیجه اجر آنان بیش از ماست). پیامبر (ص) فرمودند: «کسی که صد مرتبه الله اکبر بگوید، بیش از ثواب آزاد کردن صد بنده برایش ثبت می شود و کسی که صد مرتبه (سبحان الله) بگوید، پاداشی بهتر از حج برای او نوشته می شود. کسی که صد مرتبه (الحمد لله) بگوید بهتر از دادن صد اسب با تجهیزات کامل در راه خداست و کسی که صد مرتبه ذکر (لا اله الا الله) بگوید، بهترین مردم در روز قیامت است!! ثروتمندان مدینه با شنیدن خبر چنین کردند. فقرا مجدداً نزد پیامبر (ص) آمدند و گفتند: ثروتمندان هم به دستور شما عمل نمودند! فرمود: این لطف و فضل خداوند است، به هر کس بخواهد عطا می کند.